



[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)





سرشناسه : محمدی، کاظم، ۱۳۴۰ -

عنوان و نام پدید آور : در هندسه‌ی یاد / کاظم محمدی

مشخصات نشر : کرج: نجم کبری، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری : ۳۶۰ ص؛ ۱۴ × ۲۱ س.م.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۰۵-۵۶-۰

وضعیت فهرست‌نویسی : فیا

یادداشت : کتابنامه: ص [۳۲۵]-۳۳۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.

یادداشت : نمایه.

موضوع : ذکر

Islamic meditations

ستایش خدا

Praise of God

رده‌بندی کنگره : BP۲۶۶

رده‌بندی دیویی : ۲۹۷/۷۷

شماره کتابشناسی ملی : ۵۸۰۴۸۶۵

دیندسه می یاد

کاظم محمدی

www.ketab.ir



---

نام کتاب : در هندسه‌ی د

نویسنده : کاظم محمدی

انتشارات : نجم کبری

چاپ و صحافی : روز

تیراژ : ۲۰۰

چاپ اوّل : ۱۳۹۹

نوبت چاپ : دوّم ۱۴۰۳

قیمت : ۱۹۰۰۰۰ تومان

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۰۵-۵۶-۰

---

ناشر برتر البرز در سال ۱۳۹۴ و ناشر برتر زنان در نهمین همایش بانوان ناشر در سال ۱۳۹۶

---

## فهرست

۹	مقدمه و تمهیدی نو	
۱۵	بنیاد یاد	۱
۲۷	یاد، بنیاد دین و عرفان	۲
۳۸	۱- ذکر الله	
۳۸	۲- ذکر رب	
۳۹	۱- ذکر اسم الله	
۴۰	۱- ذکر اسم رب	
۴۰	۵- ذکر آلاء الله	
۴۱	۶- ذکر نعمت الله	
۴۱	۷- ذکر نعمت رب	
۴۲	۸- ذکر آیات الله	
۴۳	۹- ذکر آیات رب	
۴۳	۱۰- ذکر ایام الله	
۴۹	زبان و دل در یاد	۳
۶۹	آنچه از یاد می‌رسد	۴
۷۰	۱- آرامش و اطمینان قلب	
۸۲	۲- ترس در دل و وجل قلب	
۸۶	۳- خشوع قلب	
۹۲	۴- دوری شیطان از انسان	
۹۴	۵- خداوند یادآور یاد آوران است	
۹۵	۶- پیدایش بصیرت	
۹۷	۷- آگاهی بخش و مانع غفلت	
۹۹	۸- رشد و تکامل انسان	
۱۰۳	۹- فلاح و رستگاری	

- ۵ دردهای بی‌یادی**
- ۱۱۳  
 ۱۱۴ ۱- خود فراموشی و بیگانگی از خود  
 ۱۲۲ ۲- غفلت قلب  
 ۱۲۵ ۳- کوری قلب  
 ۱۲۸ ۴- قساوت قلب  
 ۱۳۴ ۵- نزدیکی شیطان  
 ۱۳۵ ۶- عصیان و گناه  
 ۱۳۹ ۷- سختی زندگی و کوری در آخرت  
 ۱۴۱ ۸- اعراض از معرضین ذکر الله  
 ۱۴۳ ۹- فراهم آمدن عذاب الهی
- ۶ در هندسه بی‌یاد**
- ۱۴۵  
 ۱۴۸ ۱- توجه و یاد نشانه‌های الهی  
 ۱۴۹ ۱/۱- نگاه و دقت در خلقت خود  
 ۱۵۰ ۱/۲- نگاه و دقت در اعضای خود  
 ۱۵۰ ۱/۳- نگاه و دقت در دانت حیوانات  
 ۱۵۷ ۱/۴- نگاه و دقت در خلقت هستی و طبیعت  
 ۱۶۰ ۲- توجه و یاد علم خدا  
 ۱۶۳ ۳- توجه و یاد این که خدا آنی موجد دال را به خود ...  
 ۱۶۷ ۴- توجه و یاد قدرت الهی  
 ۱۶۷ ۴/۱- قدرت ایجاد حیات و موت  
 ۱۶۹ ۴/۲- قدرت خلقت موجودات  
 ۱۷۰ ۴/۳- قدرت نفوذ و دخالت و تغییر دادن اسباب  
 ۱۷۲ ۴/۳/۱- خلقت آدم و حوا  
 ۱۷۳ ۴/۳/۲- تولد فرزند از زن بی‌شوهر  
 ۱۷۸ ۴/۳/۳- متولد شدن فرزند از زن نازا  
 ۱۸۰ ۴/۳/۴- سرد شدن آتش بر ابراهیم(ع)  
 ۱۸۳ ۴/۳/۵- خارج شدن چشمه از سنگ

- ۱۸۳ - ۴/۳/۶ - قدرت هدایت و ضلالت
- ۱۸۶ - ۴/۳/۷ - طولانی ساختن عمر بشر
- ۱۸۹ - ۴/۳/۸ - طولانی ساختن خواب موجودات
- ۱۸۹ الف: داستان اصحاب کهف
- ۱۹۳ ب: داستان عزیر نبی(ع)
- ۱۹۵ - ۴/۳/۹ - بینا شدن یعقوب(ع)
- ۱۹۸ - ۴/۳/۱۰ - میوه دادن درختی خشک شده
- ۲۰۰ - ۴/۳/۱۱ - ایجاد تغییر در سرنوشت بشر
- ۲۰۲ - ۴/۳/۱۲ - سخن گفتن کودک در گهواره
- ۲۰۳ - ۴/۳/۱۳ - طیّ الارض و معراج رسول اکرم(ص)
- ۲۰۳ الف: طیّ الارض
- ۲۱۲ ب: معراج
- ۲۱۶ - ۴/۳/۱۴ - آواز سار(ع)
- ۲۲۰ - ۴/۳/۱۵ - ایجا: دو چشمه توسط پاکویدن...
- ۲۲۳ - ۴/۳/۱۶ - شکافتن دربار عبور قوم موسا از آن
- ۲۲۵ - ۴/۳/۱۷ - زنده کردن مرغان به دست ابراهیم(ع)
- ۲۲۶ - ۴/۳/۱۸ - قرار دادن بادها و دران در اختیار سلیمان
- ۲۲۷ - ۴/۳/۱۹ - تسخیر کوه‌ها و طیور برای راه‌رد(ع) ...
- ۲۲۸ - ۴/۳/۲۰ - نشان دادن ملکوت به ابراهیم(ع)
- ۲۲۸ - ۴/۳/۲۱ - زنده کردن مردگان و شفا دادن بیماران ...
- ۲۲۹ - ۴/۳/۲۲ - دادن مکتب و علم تاویل به یوسف(ع)
- ۲۳۲ - ۴/۳/۲۳ - دادن علم لدنی به خضر(ع)
- ۲۳۴ - ۴/۳/۲۴ - علم تکلم سلیمان با طیور و حیوانات
- ۲۳۵ - ۴/۳/۲۵ - یونس(ع) در دهان ماهی
- ۲۳۸ - ۴/۳/۲۶ - دادن گنج به قارون
- ۲۳۹ - ۴/۳/۲۷ - تجلی خدا در کوه طور
- ۲۴۳ - ۴/۳/۲۸ - پرندگان - پرنده - مسلح

۲۴۵	گرفتن نسیان از پیغمبر اسلام	
۲۴۶	عذاب‌ها و بلاهای آسمانی	
۲۴۷	الف: قوم لوط	
۲۴۸	ب: قوم شعیب	
۲۴۹	ج: قوم صالح	
۲۴۹	د: قوم نوح	
۲۵۰	هـ: قوم هود	
۲۶۵	<b>آیین وفا در یاد</b>	<b>۷</b>
۲۷۷	<b>تمهیداتی بر یاد</b>	<b>۸</b>
۲۸۳	<b>شرح باب</b>	<b>۹</b>
۲۹۵	<b>طلیعه‌هایی در باب یاد</b>	<b>۱۰</b>
۲۹۶	۱- لایالمن	
۲۹۷	۲- للبشر	
۲۹۸	۳- لمن كان له قلب	
۲۹۹	۴- للعابدين	
۳۰۱	۵- للمؤمنين	
۳۰۲	۶- لقوم يؤمنون	
۳۰۲	۷- لكل عبد منيب	
۳۰۴	۸- لاولى الأبواب	
۳۰۶	۹- للذاكرين	
۳۱۳	<b>بیدادهایی در یاد</b>	<b>۱۱</b>
۳۱۴	۱- عن ذکر الله	
۳۱۵	۲- عن ذکر ربّي	
۳۱۶	۳- عن ذکر الرحمن	
۳۱۶	۴- عن ذکرى	
۳۱۹	<b>مردان یاد</b>	<b>۱۲</b>
۳۲۵	<b>کتابنامه</b>	
۳۳۷	<b>نمایه</b>	



## مقدمه و تمهیدی نو

این قدر گفتیم، باقی فکر کن  
فکر اگر جامد بود، رو ذکر کن  
ذکر آرد فکر را در اهتزاز  
ذکر را خورشید این افسرده ساز<sup>۱</sup>

روزگارانی پیش به سبک عارفان و شیوهی سخن که از عشق و معرفت و ذکر می‌گفتند و بدان راه می‌رفتند، دست‌دل را به دست معرفت گرفتیم و یاد محبوب و معشوق را از سر شوق و عشق، به قلم لطف و عنایت در آن نگاشتیم، سخن از «او» گفتیم و یاد «او» را همه جا و در همه حال بر دفتر ظاهر و باطن نقش زدیم، دانستیم که بی «او» و بی یاد خجسته‌ی «او» هیچیم، هیچ، و حتّاً این ذکر و یاد را نیز از لطف و عنایت او داریم و اکنون سرمایه‌ی ما و اندوخته‌ی هر عارفی

همگی «یاد» است، همگی «ذکر» است، اما فقط و فقط یاد او بدون هر چیزی، که اگر یاد او نباشد و ارتباط با نام او نباشد هر داشته و یافته‌ای نقش بر آب است و گویی که همه در دست «باد» است، هر چند که در توهم آید که شاید «شاد» است و به خیالی «آباد» است.

در این دوران که تاریکی بر فکر، و «شک» بر باورها افزوده است و دل را از مدار خود خارج کرده و فکر را از جولان انداخته است شاید تنها چیزی که بتواند دارویی مفید و مؤثر بر این درد جانکاه روح و معنا باشد ذکر است، ذکر خدا. که ذکر او نه تنها روشنی‌بخش فکر و روح است بلکه عاملی مؤثر در آرام‌بخشی جان و تمدید باور و تجدید عهد طلب است.

این ذکر را بنای تاریخی اولیا ساخته‌اند تا بدان واسطه عهد فراموش شده‌ی انسان را با خدا به یادشان بیاورد، بیدارشان سازد، از نسیان و فراموشی خارجشان سازد، به سری نور و روشنایی ببرد، دست شیطان را از وسوسه کوتاه کند، قلب اسلحه را قوت بخشد و در مدار توحید و فطرت که در میثاق الست بدان سرشته بودند قرارشان دهد.

ذکر، ارتباط انسان با خداست، تعیین موقیبت انسان در جهان هستی است و بازیافتن انرژی‌های از دست رفته از معدن ایمان و دین است. و کیست که نخواهد خویشتن را بشناسد و جایگاه و نشان خویش را در نظام پیچیده‌ی هستی مورد شناسایی قرار ندهد؟ این آرزوی هر انسان بالنده‌ای است که سهمی از خرد و نصیبی از عشق دارد. که عاشقان و عاقلان در یافتن ربط به «او» که هم منیر عقل است و هم مشیر عشق، بی‌صبرانه در وادیهای سلوک در تلاش و تکاپویند، و یاد او را در دل و جان، و در عیان و نهان ورد خود کرده‌اند و مستانه از جام حقیقت معنای او در سکری متعالی سیری بی‌نهایت را تجربه می‌کنند.

باری، از آخرین چاپ کتاب پژوهشی که در خصوص یاد خدا و ذکر

قرآنی نوشته بودم تقریباً هجده سال می گذرد، سالها پیش از آن با نام «تجلی ذکر در آینه‌ی وحی» چندین نوبت چاپ شده بود و در سال هشتاد و یک نیز به همت وزارت ارشاد با نام «یاد خدا» یکی دو نوبت تجدید چاپ شد. غبار روزگاران آن نوشته‌ها را در بر گرفت ولی خاطره و یاد «یاد خدا» و تجلی ذکر در دل مردانی که همواره یاد خدا می کردند باقی و برجا بود. دیری ست که می خواهند تا دگر باره لباس نو بپوشد و به دست و فکر و دل ارجمندان برسد تا یاد خدا را یک بار دیگر در این دوران فراموشی خدا در دل مردمان، و مرگ خدا در مذهب غرب و مسیحیت گمشده از اصل یاد شود و وصلی از بعد فراقی طولانی، رای مجران کشیدگان روزگار فراهم سازد، بلکه به شوق اذکار معنوی و یاد عشوق دائمی پله پله تا ملاقات مذکوری که وعده‌ی دیدار داده و اسد بقا بخشیده است گام بر دارد و شوق و معرفت را چاشنی حال خدستار سازد و دمی در خلوت انس از او بگوید و او را در خود بجوید.

اینک بدون تغییر چندان زیادی در فکر و اندیشه و با احساس نیاز اهل معرفت یک بار دیگر تنها بازنگری ساده‌ی بی‌برایشی تازه و بیانی افزوده به متنی که مانوس یاران صاحب‌دل و عارفان صاحب‌معرفت بوده به چاپ جدید فرستاده می شود تا آشوب فراموشی را فرو نشاند و اضطراب ناشی از نسیان را به آرامش تبدیل کند که یاد خدا همواره آرامبخش دلها است و دارویی کارساز و معجزه‌آسا بوده و هست و خواهد بود.

یاد خدا عالی‌ترین سرمایه‌ی انسان عارف است، تو گویی که ذکر او هوایی است که عارف از آن بهره می‌گیرد و با آن حیات نو می‌یابد. با یاد او خویشتن را همواره در صحت و سلامتی نگاه می‌دارد، و با او هر لحظه به شدن نزدیک‌تر می‌گردد.

یاد او مایه‌ی اصلی دین و پایه‌ی بنیادین عرفان است، بی‌یاد او نه دین پیامی دارد و نه عرفان کلامی. کلام عارفان و پیام دینداران ذکر و یاد اوست. این یاد سبب آرامش و اطمینان قلب سالک است و بدون یاد خدا آدمی مدام در خطر سقوط و تغییر هویت انسانی است. یاد او باعث بیداری و بصیرت است. سبب دوری شیطان از انسان است و باعث رشد و تعالی آدمیان است.

ذکر او عین نماز است، کلمات دلنشین قرآن است و بنیاد سلوک الی الله است. ذکر او چونان آتش است آتش تند و سرکش که هوای نفس و شیطان را به یک‌باره می‌سوزد و خاکسترش می‌سازد و آدمی را خالص و ناب می‌گرداند. این ذکر سبب رسیدن و کامل شدن عارف است. اما بدون معرفت و بدون عشق به راستی که بی‌معناست و لقلقه‌ای بیش نیست. ولی عشق و معرفت معنی می‌گیرد، و کارگر می‌افتد.

این آتشین بودن ذکر زمانی پدیدار می‌آید که آدمی صاحب معرفت گردد و دلی سرشار از عشق داشته باشد. این عشق سبب می‌شود تا لحظه‌ای از یاد محبوب و معشوق غافل نباشد، هر لحظه و در هر کجا به یاد او باشد و این یاد، در واقع همه‌ی هویت و سرمایه‌ی عاشق است. تو گویی که عاشق چونان «نی» درون تهی شده است، و از او دیگر هیچ باقی نیست، از اصل دور افتاده و آتش به جانش رسیده و حامل نواهای سوزناک نوازنده‌ی نوادان شده است.

ذاکر که عاشق نباشد در واقع زبان و لب می‌جنباند و هیچ یاد نمی‌کند و شرط یاد کردن، «توجه» به مذکور است و این توجه زمانی حاصل می‌شود که ذاکر صاحب معرفتی نسبت به ذکر و ذاکر و مذکور باشد و هم عشق به مذکور در جانش مشتعل باشد.

به هر جهت یاد خدا علی‌رغم اینکه بر همه‌ی زبان‌ها جاری است اما

به راستی که فهم دقیق آن برای کمتر کسی میسر شده است. کتاب حاضر در ترکیبی پیشین نام - یاد خدا - یافته بود و پیش از آن نیز با تجلی ذکر در آینه‌ی وحی خوش متجلی گشت تا در دستان عاشقان و عابدان و عارفان زمان خود بنشیند و برای ایشان چونان ذکری گردد که بدان واسطه متذکر مذکور گردند، کما اینکه از پس تقریباً دو دهه هنوز در یاد و خاطر اهل معنا باقی مانده است؛ و در یافتن چندباره‌ی آن، این بنده را مدام متذکر می‌شده‌اند، هر چند که نامه‌های گفته شده تاکنون چندین بار به چاپ رسیده و در دست اهلبش قرار گرفته است ولی این اثر تمهیدی دیگر و سامانی دیگر دارد. در این اثر ضمن اینکه نگرش آن تغییر یافته برخی مطالب مهم‌تر به آن افزوده شده تا خوبان اهل تحقیق، به ویژه پژوهندگان علوم قرآنی و عرفانی را به کار بیسری آید.

گفتنی است که این پژوهش در سال ۱۳۶۲ آماده شده بود و در سال ۶۵ برای چاپ نخست آماده می‌شد تقریباً اولین اثر تحقیقی و گسترده پیرامون ذکر قرآنی به حساب می‌آمد، چه پیش از این کاری در خور صورت نگرفته و در ذیل آیات مربوطه‌ی آن هم بسیار مختصر شرحی در تفاسیر وجود داشت. که کم‌کم چندانانی به فهم این موضوع گسترده و ریشه‌ای قرآن نمی‌کرد.

در این نوشتار که هم اکنون در برابر شماست تقریباً آنچه بایسته بوده ثبت شده و چیزی از این بابت فروگذار نگشته است و تا جایی که مقبول و مقدر بوده با شرط اختصار مطالب، نهایت سعی صورت گرفته تا به شایستگی از آیات جهت طرح همه جانبه‌ی ذکر استفاده شود. به هر تقدیر این اثر که به واسطه‌ی درج و تحلیل آیات قرآنی نمی‌توان ناچیزش شمرد را به عنوان خدمتی قرآنی به برادران ایمانی تلقی کرده و از حضرتش می‌طلبیم که ما را اهل ذکر قرار دهد

و از ذکر به مذکور برساند، و در ما چنان شایستگی ایجاد کند که دستی به باطن قرآن نیز داشته باشیم. در این مقدمه به عنوان آغاز اثر دست به درگاه ربوبی می‌گشاییم و از حضرتش چنین در می‌خواهیم:

گر خطا گفتیم اصلاحش تو کن  
مصلحی تو ای تو سلطان سخن  
کیمیا داری که تبدیلت کنی  
گر چه جوی خون بود نیلت کنی  
این چنین میناگری‌ها کار توست  
وین چنین اکسیرها ز اسرار توست

امید است یادوران این نده در حین یاد از یاد فراموش نکنند و با نفی و بیرون شدن از نسیان، ناسیان ناعاصی را در یاد خود سهیم و شریک گردانند، باشد که حصه مذکور یاد را در نهادمان قوت بخشد و از اهل یاد قرار دهد که اهل یاد - اهل الذکر - را ارجی بس والا در نزد عارفان است.

و هو الحق

تابستان ۱۳۹۱ خورشیدی

کاظم محمدی